

## مفهوم روزه در مسیحیت

روزه تاریخ چند هزارساله دارد. دینداران و بی دینان در سراسر دنیا به دلایل مختلف از امور روحانی گرفته تا لاغری و دلایل پزشکی و به اشکال مختلف روزه می گیرند. بدیهی است که روزه، پرهیز داوطلبانه ( و در بعضی کشورها اجباری) از خوردن غذا و یا آشامیدن آب برای مدتی محدود است. نمونه های معروف در کتاب مقدس، روزه موسی مرد خدا، ایلای نبی در عهد عتیق و عیسی مسیح در عهد جدید است که به مدت چهل روز روزه گرفتند. روزه به خصوص نزد دینداران دنیا در شرق و غرب، فریضه ای بسیار ارزشمند محسوب می شود. اما صرف نظر از فواید و یا مضرات روزه از دیدگاه پزشکی و سلامتی، آیا روزه از نظر روحانی فایده ای دارد؟ آیا فردی که روزه می گیرد به انسانی بهتر تبدیل می شود؟ آیا روزه باعث رشد روحانی یک ایماندار واقعی به مسیح می شود؟

جواب به تمام سوالات بالا منفی است!

روزه هیچ منفعت روحانی ندارد. اصولاً هیچ ریاضت بدنی وجود ندارد که موجب رشد روحانی گردد. بارها در این کانال به این امر اشاره کردیم که هیچ عمل فیزیکی نمی

تواند انسانیت کهنه و سقوط کرده را متحول کند. با خوردن، نیشامیدن، لمس نکردن، نخوابیدن و هر ریاضت دیگری، انسان به اندازه یک افسیلن به انسان بهتری تبدیل نمی شود و یا به اندازه یک میلیمتر به خدا نزدیکتر نمی شود. جالب است بدانید که فریسیان که جز علمای مذهبی قوم یهود در زمان مسیح بودند و به همراه صدوقیان مسیح را به مرگ محکوم کردند؛ هفته ای دو روز به طور کامل روزه می گرفتند؛ یعنی سالی ۱۰۴ روز را در روزه بسر می بردند!

پولس رسول در رساله به کولسیان ۲: ۲۰-۲۳ می گوید:

« ۲۰ پس حال که با مسیح نسبت به اصول ابتدایی این دنیا مرده‌اید، چرا همچون کسانی که گویی هنوز به دنیا تعلق دارند، تن به قواعد آن می‌دهید، قواعدی که می‌گوید: ۲۱ «این را لمس مکن! به آن لب نزن و بر آن دست مگذار!»؟ ۲۲ اینها همه مربوط به چیزهایی است که با مصرف از بین می‌رود، و بر احکام و تعالیم بشری بنا شده است. ۲۳ و هرچند به سبب در بر داشتن عبادتِ داوطلبانه و خوار کردن خویشتن و ریاضت بدنی، ظاهری حکیمانه دارد، اما فاقد هر گونه ارزش برای مهار تمایلات نفسانی است.»

در جای دیگر وی اضافه می کند:

« ۸ خوراک، ما را به خدا نزدیک نمی سازد؛ نه با نخوردن بدتر می شویم، نه با خوردن بهتر. » اول قرنیتان ۸: ۸

بنابراین سوالی که مطرح می شود این است که جایگاه روزه در کتاب مقدس چیست؟

اجازه دهید کمی دقیق تر این موضوع را بررسی کنیم. در عهد عتیق کتاب مقدس، یهودیان یک روز در سال می بایست روزه می گرفتند. آن روز، «روز کفاره» (به عبری Yom Kippur) نام داشت که کاهن اعظم با ترس و لرز و با به همراه داشتن خون قربانی وارد مکان قدس الاقداس معبد خدا می شد و خون را بر تخت رحمت می پاشید و برای قوم کفاره گناهان را بجا می آورد. کل این مراسم که برای هزاران سال توسط کاهنان اعظم اجرا می شد؛ سایه و نمادی از کفاره مسیح نجات دهنده بود که می بایست در آینده دور واقع می شد. روزه نیز نمادی از سوگواری و ماتم توبه کنندگان در آن روز بود. بنابراین روزه صرفاً عملی نمادین و سمبلیک بود و همچون خون بزها و گوسفندان هیچ ارزش دیگری بر آن مترتب نبود.

بجز مورد فوق، در بقیه موارد در عهد عتیق، روزه گرفتن یک شخص، گروه و یا حتی کل مردم یک شهر در مواجهه با شرایط حاد و بحرانی نظیر جنگ، بیماری، دآوری و غضب خدا و ... بود. مردمی که در شرایط اضطراری امید خود را به راه حل های انسانی از دست می دادند با دعا و روزه از خداوند استدعای کمک می کردند. در مورد روزه مسیح (قبل از اینکه شیطان وی را وسوسه کند) قبلا در مبحث «نجات دهنده» (زندگی و تعالیم مسیح به روایت متی، قسمت دوم: بوته آزمایش) توضیحات مختصری ارائه دادیم که می توانید مجددا آن را مرور کنید. روزه مسیح و نیز موسی و ایلیا نبی موارد استثنایی هستند که ارتباطی با موضوع مورد بحث ما ندارند.

در عهد جدید، سایه ها، نمادها ی عهد عتیق جای خود را به واقعیت ها می دهند. انسان و روح او تبدیل به معبد خدا و مکان واقعی پرستش خداوند می شود؛ قربانی و کفاره مسیح نجات دهنده جای خون بزها و گوسفندان را می گیرد و روزه و ریاضت بدنی نیز جای خود را به ماتم واقعی که از درک و شناخت صحیح خدای قدوس مطلق و گناه ناشی می شود؛ می دهد!

« ۳ خوشا به حال فقیران در روح،

زیرا پادشاهی آسمان  
از آن ایشان است.  
۴ خوشا به حال ماتمیان،  
زیرا آنان تسلی خواهند یافت. متی ۵: ۳ و ۴

و بدین ترتیب هیچ فرماتی مبنی بر اینکه ایمانداران باید  
روزه بگیرند در عهد جدید وجود ندارد.  
پس آیا با این توضیحات، روزه در مسیحیت به کل لغو شده  
است؟

جواب سوال فوق نیز منفی است. روزه فقط برای روزهای  
اضطراری زندگی ایمانداران است که بخاطر شرایط بحرانی  
غذا از گلویشان پایین نمی رود! هنگامی که فرزندان برای  
عمل تومور مغزی زیر تیغ جراحی است؛ شخصی که در  
معرض ورشکستگی مالی است؛ هنگامی که باید تصمیمی  
بسیار مهم در زندگی مان بگیریم؛ زمانی که کشورمان در  
جنگ و بحران و خطر است و مواردی نظیر اینها.  
در شرایط بحرانی زندگی که راه حل های انسانی به بن بست  
می رسد؛ با روزه و دعا به حضور خدا می رویم و از او  
استدعای کمک می کنیم. روزه ما در این شرایط صرفاً

بیانگر اهمیت موضوعی است که برای آن دعا می کنیم بدین معنی که به خدا با زبان بی زبانی نشان می دهیم که این موضوع برای ما چقدر حیاتی است؛ آنقدر که حتی غذا خوردن هم برایمان دیگر مهم نیست! ممکن است یک روز، سه روز و یا یک هفته برای آن موضوع خاص روزه بگیریم و دعا کنیم. اگر آن موضوع به چند نفر مرتبط باشد ممکن است جمعی روزه بگیریم .

این تنها کاربرد روزه در زندگی یک ایماندار واقعی به مسیح است. توجه کنید که روزه ما برای تحت فشار قرار دادن خدا نیست بلکه صرفاً برای نشان دادن اهمیت موضوعی است که برای آن دعا می کنیم. در آخر مجدداً بر این نکته تأکید می کنیم که روزه هیچ فایده روحانی ندارد و منجر به رشد روحانی، ترک عادت های گناه آلود، زندگی پیروزمندانه و مواردی از این قبیل نمی شود.